

## نماز جنازه

۱. نماز خواندن بر میت مسلمان، فرض کفایه است. زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم در احادیث متعدد به آن امر نموده است. در اینجا به ذکر یکی از آنها که توسط خالد جهنی نقل شده است، اکتفا می کنیم. وی می گوید:

«أَنَّ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تُوْفِيَ يَوْمَ خَيْبَرَ، فَذَكَرُوا ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ . فَقَالَ: صَلُّوا عَلَيَّ صَاحِبِكُمْ فَتَغَيَّرَتْ وَجُوهُ النَّاسِ لِذَلِكَ فَقَالَ إِنَّ صَاحِبِكُمْ غَلَّ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَفَتَشْنَا مَتَاعَهُ فَوَجَدْنَا خَرْزًا مِنْ خَرْزِ يَهُودَ لَا يُسَاوِي دَرَاهِمِينَ». موطاء امام مالك، ابوداود، نسائي، ابن ماجه، حاكم و احمد با سند صحيح.

ترجمه: یکی از یاران رسول الله صلی الله علیه و سلم در جنگ خیبر فوت کرد. خبر درگذشت او به رسول الله صلی الله علیه و سلم رسید. فرمود: بر رفیقتان نماز جنازه بخوانید. مردم از این سخن پیامبر نگران شدند. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: رفیق شما از مال غنیمت سرق کرده است. (شاید به همین دلیل رسول الله صلی الله علیه و سلم بر او نماز جنازه نخواند) راوی می گوید: اثاثیه او را تفتیش نمودیم. يك خرمهره از مهره های یهود که کمتر از دو درهم ارزش داشت، یافتیم.

۲. نماز جنازه در حق دو کس فرض نیست:

**الف-** کودکی که به سن بلوغ نرسیده باشد. زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم بر پسرش؛ ابراهیم؛ نماز جنازه نخواند. عایشه می گوید:

«مات ابراهیم ابن النبی صلی الله علیه و سلم و هو ابن ثمانیه عشر شهراً فلم یصل علیه رسول الله» ابوداود، ابن حزم و احمد و سندش حسن است.

(ابرهیم، فرزند هجده ماهه نبی اکرم صلی الله علیه و سلم فوت کرد، آنحضرت صلی الله علیه و سلم بر او نماز نخواند.)

**ب-** شهید، زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم بر شهدای احد و غیر آن نماز جنازه نخواند. در این باره سه حدیث آمده است که شرح آن قبلاً در مساله شماره ۳۲ بیان شد.

البته حدیث فوق، دلیل بر عدم جواز نماز جنازه بر این دو کس نیست. چنانچه در مساله بعدی بیان خواهد شد.

۳. نماز جنازه در حق چه کسی جایز است؟

**الف-** خواندن نماز جنازه بر طفل جایز است حتی اگر سقط شده باشد. در این خصوص دو حدیث آمده است:

یک - «... والطفل (و فی روایة) السَّقَطُ یُصَلَّى عَلَیْهِ وَیُدْعَى لِوَالِدَیْهِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ». ابوداود، نسائي و غیره با سند صحیح.

ترجمه: بر کودک و در روایتی دیگر بر جنین سقط شده، نماز جنازه خوانده شود و برای پدر و مادرش دعای رحمت و

مغفرت بکنند.

**ب-** «عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: أَتَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَصْبِيٍّ مِنْ صِبْيَانِ الْأَنْصَارِ فَصَلَّى عَلَيْهِ قَالَتْ عَائِشَةُ فَقُلْتُ طُوبَى لِهَذَا عَصْفُورٍ مِنْ عَصَافِيرِ الْجَنَّةِ لَمْ يَعْمَلْ سُوءًا وَلَمْ يُدْرِكْهُ قَالَ أَوْ غَيْرُ ذَلِكَ يَا عَائِشَةُ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْجَنَّةَ وَخَلَقَ لَهَا أَهْلًا وَخَلَقَهُمْ فِي أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَخَلَقَ النَّارَ وَخَلَقَ لَهَا أَهْلًا وَخَلَقَهُمْ فِي أَصْلَابِ آبَائِهِمْ». مسلم، الفاضل را

نسائي روایت کرده است

**ترجمه:** عایشه می گوید: یکی از کودکان انصار مدینه را (که فوت کرده بود) نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آوردند. آنحضرت صلی الله علیه و سلم بر وی نماز خواند. عایشه می گوید: گفتم: خوشا به حال این کودک، گنجشکی از گنجشکان بهشت است و هیچ کار بدی انجام نداده است. و نه آن را درک کرده است. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: مگر غیر از این است ای عایشه؟ خداوند بهشت را آفریده و ساکنان آن را آفریده در حالی که آنان، در صلب پدران خود بودند، (یعنی نطفه بودند). همچنین خداوند دوزخ را خلق کرده و ساکنان آنرا نیز آفریده است. و آنان را در حالی که در صلب پدران خود بودند (یعنی نطفه بودند) برای دوزخ آفریده است.

البته زمانی بر جنین سقط شده نماز جنازه خوانده می شود که روح در آن دمیده شده باشد. و روح بعد از چهار ماه تمام در آن دمیده می شود. ولی اگر جنین، قبل از چهار ماهگی سقط شود، بر او نماز جنازه خوانده نمی شود. زیرا میت محسوب نمی گردد.

چنانکه عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود:

«إِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ يَكُونُ فِي ذَلِكَ عِلْقَةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يَكُونُ فِي ذَلِكَ مَضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يُرْسَلُ الْمَلَكُ فَيَنْفُخُ فِيهِ الرُّوحَ». متفق علیه.

**ترجمه:** آفرینش شما چنین است که، نطفه بعد از چهل روز شکل خون منجمد به خود می گیرد. بعد از چهل روز دیگر، بصورت پاره ای گوشت، در می آید. و پس از گذشت یکصد و بیست روز، فرشته ای از جانب خداوند فرستاده می شود تا در آن، روح بدمد.

بعضی ها برای خواندن نماز بر نوزاد سقط شده، زنده به دنیا آمدن آن را شرط قرار داده اند، زیرا در حدیث آمده است:

نوزاد (بعد از ولادت) گریه کند و بمیرد، نماز بر وی خوانده شود و حکم ارث، درباره او اجرا می گردد.<sup>۱</sup>

**ج- شهداء** نیز از جمله کسانی هستند که نماز جنازه بر آنان، جایز است. در این باره روایات متعددی وجود دارد که به ذکر بعضی از آنها اکتفا می شود:

\* شداد بن الهاد می گوید: مردی بادیه نشین نزد نبی اکرم صلی الله علیه و سلم آمد و ایمان آورد و از او پیروی کرد. و گفت: می خواهم با شما هجرت کنم؟ دیری نگذشت که برای جنگ با دشمن، برخاستند. لحظاتی بعد، آن مرد را که تیر خورده و مرده و بر روی دستها حمل می شد، نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آوردند. آنحضرت صلی الله علیه و سلم او را در عبا اش کفن نمود و جلو گذاشت و بر او نماز خواند. نسائی و غیره با سند صحیح

\* عبدالله بن زبیر می گوید: رسول خدا (ص) دستور داد تا حمزه را در چادری کفن بکنند آنگاه بر او نماز خواند و ۹ تکبیر گفت. سپس دیگر شهدای احد را آوردند و بر آنها و حمزه یکجا نماز خواند. طحاوی در معانی الآثار با سند حسن.

\* انس بن مالک می گوید: رسول الله صلی الله علیه و سلم از کنار حمزه که مثله شده بود، (یعنی توسط کفار گوش بینی و اعضای بدنش، بریده شده بود) گذشت و بجز حمزه بر سایر شهدای احد، نماز جنازه نخواند. (ابوداؤد با سند حسن)

توضیح: بخاطر جمع بین احادیث متضاد باید گفت: هدف از نفی خواندن نماز جنازه شهدای دیگر نفی مطلق نیست بلکه مراد این است که نماز مستقل بر هیچکدام جز حمزه نخواند. و یا اینکه بر اساس قاعده معروف محدثین هنگام تعارض مثبت و نافی، حدیث مثبت ترجیح دارد.

\* عقبه بن عامر جهنی می گوید: روزی رسول الله صلی الله علیه و سلم پس از گذشت هشت سال، بر شهدای احد، نماز جنازه خواند. بخاری، مسلم و احمد.

گویا با مرده ها و زنده ها خداحافظی می کرد. سپس بالای منبر رفت، خدا را ستود و فرمود: من جلوتر از شما می روم و من گواه شما هستم و میعاد شما، حوض کوثر است. بخدا سوگند، اکنون حوض را می بینم که عرض آن به اندازه فاصله ایله تا جحفه است و کلید خزانه های زمین به من داده شده است یا فرمود: کلید زمین به من داده شده است. بخدا سوگند، از اینکه شما بعد از من مشرک شوید احساس خطر نمی کنم. بلکه می ترسم شما برای بدست آوردن مال دنیا، با یکدیگر به رقابت پردازید و با هم بجنگید و نابود شوید آنطور که پیشینیان نابود شدند. عقبه بن عامر جهنی می گوید: این آخرین دیداری بود که با رسول الله صلی الله علیه و سلم و احمد. با وجود این احادیث باز هم می گوئیم نماز جنازه شهید واجب نیست. به این دلیل که تعداد زیادی از یاران رسول الله صلی الله علیه و سلم در غزوه بدر و جاهای دیگر شهید شدند. اما نقل نیست که آنحضرت بر آنها نماز بخواند. بنابراین ابن قیم می گوید: بخاطر روایات مختلف در این مورد بهتر است بگوئیم: خواندن نماز بر شهدا اختیاری است، چنانکه طبق روایتی امام محمد نیز همین را گفته است (تهذیب السنن). بنده می گویم: بدون شک خواندن نماز بر آنها از نخواندن بهتر است.

د. کسی که به خاطر حدی از حدود شریعت، کشته شود: عمران بن حصین می گوید: زنی از طایفه جحینه که حامله بود، نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمد و گفت: ای رسول خدا! مرتکب زنا شده ام. حد شرعی آن را بر من اجرا کن. رسول الله صلی الله علیه و سلم سرپرست او را نزد خود خواند و به او گفت: از این زن به خوبی نگهداری کن. هرگاه وضع حمل کرد، او را نزد من بیاور. او نیز چنین کرد. آنگاه رسول الله صلی الله علیه و سلم امر نمود تا لباسهایش را محکم به او ببیچانند و او را سنگسار کنند. بعد بروی نماز خواند. عمر رضی الله عنه گفت: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم! بر او نماز می خوانی در حالی که مرتکب زنا شده است؟! رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: او چنان توبه ای کرده است که اگر میان هفتاد نفر از ساکنان مدینه، تقسیم شود، همه را کفایت می کند. آیا توبه ای بهتر از این که کسی بخاطر خشنودی خدا از جانش بگذرد سراغ داری؟ مسلم، ابو داود، نسائی.

### د. شخص فاجر

یعنی کسی که مرتکب معاصی و محرّمات می شود. مانند: تارک نماز و زکات که فرضیت آنها را قبول دارد. و زانی و کسی که همواره شراب می نوشد و امثال آنان. بر این گونه افراد نیز خواندن نماز جنازه، جایز است. البته بهتر است که علما و پیشوایان برای عبرت مسلمانان، خود بر آنها نماز نخوانند. همانطور که رسول الله صلی الله علیه و سلم به قصد تنبیه، بر اینگونه افراد نماز نمی خواند. در این مورد احادیث متعددی وجود دارد:

۱- ابوقتاده رضی الله عنه می گوید: هرگاه از رسول الله صلی الله علیه و سلم درخواست می کردند که بر جنازه ای نماز بخواند، آنحضرت صلی الله علیه و سلم از اعمال او می پرسید. اگر مردم او را تعریف می کردند، شخصاً بر او نماز می خواند. و گرنه به نزدیکان میت می گفت: شما بدانید و او، و خودش بر او نماز نمی خواند. احمد و حاکم و حاکم می گوید:

مطابق شرایط شیخین، صالح است و ذهبی با وی موافقت نموده است

۲- جابر بن سمره می گوید: شخصی بیمار بود. نزدیکانش با صدای بلند برای او گریه کردند. همسایه اش نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمد و گفت: او مرد، رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: او نمرده است. همسایه برگشت، دید که برای او با صدای بلند گریه می کنند. همسرش گفت: نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم برو و ایشان را با خبر کن. مرد گفت: خدا او را

لعنت کند. سپس رفت و دید که او با تیری پیکان دار و پهن، خود کشی کرده است. آنگاه نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم رفت و گفت فلانی مرد. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: تو از کجا می دانی؟ گفت: من خودم دیدم که با تیری پهن و پیکان دار خود کشی می کند. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: تو او را دیدی؟ گفت: بلی. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: پس در این صورت من بر او نماز جنازه نمی خوانم. ابوداود با سند صحیح طبق شرایط مسلم. همچنین نسائی و ترمذی و دیگران آنرا روایت کرده اند.

ترمذی می گوید: این حدیث، حدیث حسن است. علما در این باره اختلاف نظر دارند: بعضی می گویند: بر اهل قبله و هم چنین کسی که خودکشی کرده است، نماز خوانده شود. و فتوای سفیان ثوری و اسحق، همین است. احمد بن حنبل می گوید: خود امام بر کسی که خود کشی کرده است، نماز نخواند. بلکه کسی دیگر بر او نماز بخواند.

ابن تیمیه در «اختیارات» (۵۲) می گوید: اگر کسی از خواندن نماز جنازه بر قاتل و کسی که از اموال غنیمت، سرقت کرده است و مدیونی که کسی وامش را پرداخت نکند، برای عبرت دیگران، امتناع ورزد، بسیار خوب است. البته اگر ظاهراً نماز نخواند ولی در باطن برایش دعا کند، تا بر هر دو مصلحت عمل شود، بهتر است.

۳- حدیث زید بن خالد جهنی رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و سلم از نماز خواندن بر شخصی که از مال غنیمت دزدی کرده بود، امتناع ورزید و به صحابه چنین گفت:

« صلوا علی صاحبکم... ان صاحبکم غلّ فی سبیل الله » اصحاب سنن با سند صحیح.

(بر رفیقان نماز جنازه بخوانید ، همانا او از مال غنیمت سرقت کرده است).

و: بر بدهکاری که مال به اندازه کافی برای پرداخت دیونش باقی نگذاشته است، نماز جنازه خوانده شود. رسول الله صلی الله علیه و سلم ابتدا، بر چنین افرادی، نماز جنازه نمی خواند. و در این باره ، روایات متعددی آمده است:

۱- سلمه بن اکوع می گوید: نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم نشسته بودیم که جنازه ای آوردند و گفتند: ای رسول الله صلی الله علیه و سلم بر او نماز بخوان. رسول الله صلی الله علیه و سلم پرسید: آیا بدهکار است؟ گفتند: خیر. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: آیا از خود چیزی باقی گذاشته است؟ گفتند: خیر. آنگاه رسول الله صلی الله علیه و سلم بر او نماز جنازه خواند. جنازه دیگری آوردند و گفتند: ای رسول خدا! بر او نماز جنازه بخوان. رسول الله صلی الله علیه و سلم پرسید: آیا او بدهی دارد؟ گفتند: بلی. آنحضرت فرمود: آیا چیزی باقی گذاشته است؟ گفتند: سه دینار، باقی گذاشته است. آنگاه، رسول خدا صلی الله علیه و سلم بر او نماز جنازه خواند. سپس سومین جنازه را آوردند و گفتند: ای پیامبر خدا! بر او نماز جنازه بخوان. رسول الله صلی الله علیه و سلم پرسید: آیا چیزی باقی گذاشته است؟ گفتند: خیر. پرسید: آیا او بدهکار است؟ گفتند: سه دینار بدهکار است. رسول خدا فرمود: نماز جنازه رفیقان را بخوانید. مردی از انصار که ابوقتاده نام داشت، گفت: ای رسول خدا! بر او نماز بخوان بدهی هایش را من پرداخت خواهم کرد. آنگاه رسول الله صلی الله علیه و سلم بر او نماز خواند. بخاری و احمد.

۲- ای پیامبر خدا! اگر بدهی هایش را بپردازم، بر او نماز می خوانی؟ رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود: بلی، اگر تمام آنها را بپردازی، بر او نماز می خوانم. راوی می گوید: ابوقتاده رفت و بدهی های آن مرد را پرداخت نمود. رسول الله صلی الله علیه و سلم پرسید: تمام بدهی هایش را ادا کردی؟ گفت: بلی. آنگاه رسول الله صلی الله علیه و سلم بر او نماز خواند. نسائی، ترمذی، دارمی، ابن ماجه و احمد و اینجا روایت با الفاظ احمد است. و حدیث مطابق شرایط مسلم صحیح است.  
البته در بعضی از روایات تصریح شده است که ابوقتاده همان لحظه رفت و دین آن شخص را ادا نمود.

۳- مشابه حدیث فوق از جابر روایت شده و در پایان آن، این مطلب اضافه شده است:

« فلما فتح الله علی رسول الله قال: أنا أولى بكل مومن من نفسه فمن ترک دیناً فعلی قضاءه و من ترک مالا فاورثته».<sup>۲</sup>  
یعنی وقتی فتوحات، بیشتر شد، رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: من از هر مومن نسبت به خودش اولویت دارم. هر کس که بمیرد و مدیون باشد من وامش را می پردازم. و هر کس مالی باقی بگذارد از آن وارثانش می باشد.

۴- ابوهزیره می گوید: هرگاه میت مدیونی را نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم برای نماز جنازه می آوردند، آنحضرت صلی الله علیه و سلم می پرسید که آیا او مالی برای ادای دینش باقی گذاشته است؟ اگر می گفتند به اندازه کافی مالی باقی گذاشته است، بر او نماز می خواند. در غیر این صورت بر او نماز نمی خواند و می فرمود: بر رفیقان نماز جنازه بخوانید. و هنگامی که فتوحات زیاد شد، فرمود: من از مومنان نسبت به خودشان نزدیکتر هستم. اگر می خواهید این مطلب را بدانید، آینه آیه را تلاوت کنید:

«النبی أولى بالمؤمنین من أنفسهم» بخاری، مسلم، نسائی، ابن ماجه، طیالسی و احمد.

بنابراین هر کس بمیرد و مدیون باشد و چیزی برای پرداخت بدهی هایش باقی نگذاشته باشد، پرداخت آنها بر عهده من است. و هر کس مالی باقی گذاشته باشد، از آن وارثانش می باشد. بخاری، مسلم، نسائی، ابن ماجه، طیالسی و احمد.

ابوبشر، یونس بن حبیب یکی از راویان مسند طیالسی، بعد از روایت این حدیث می گوید: از ابوالولید طیالسی شنیدم که می فرمود: این روایت، ناسخ روایاتی است که در آنها آمده: که رسول الله صلی الله علیه و سلم از خواندن نماز جنازه بر میتی که مدیون بود، خودداری می کرد.

ز. اگر جنازه ای بدون نماز جنازه دفن گردد و یا تعدادی بر او نماز خوانده و تعدادی نخوانده باشند، می توان بر قبرش نماز جنازه خواند. البته در صورت دوم، امام باید از کسانی باشد که قبلاً بر او نماز نخوانده است. احادیث متعددی در این باره آمده است:

۱- عبدالله بن عباس رضی الله عنه می گوید: مردی فوت کرد که در دوران بیماری اش رسول الله صلی الله علیه و سلم به عیادت او می رفت. هنگام شب او را دفن کردند. وقتی صبح شد، رسول الله صلی الله علیه و سلم را از مرگ او آگاه ساختند، فرمود: چرا مرا اطلاع ندادید؟ گفتند: ای رسول الله صلی الله علیه و سلم! شب و هوا تاریک بود. لذا نخواستیم شما را به زحمت بیاندازیم. آنگاه، رسول الله صلی الله علیه و سلم کنار قبر او رفت و بر او نماز جنازه خواند. راوی می گوید: ما هم پشت سر ایشان صف بستیم و من هم از جمله نمازگزاران بودم. و آنحضرت صلی الله علیه و سلم چهار تکبیر گفت. بخاری، مسلم، نسائی، ابن ماجه، احمد و بیهقی.

۲- ابوهریره رضی الله عنه می گوید: زن سیاه رنگی که مسجد را جارو می کرد، فوت کرد. رسول الله صلی الله علیه و سلم که چند روز او را ندید، درباره او پرسید. گفتند: فوت کرده است. فرمود: چرا مرا خبر نکردید؟ گفتند: او شب هنگام فوت کرد و همان شب دفن گردید و ما نخواستیم شما را از خواب بیدار کنیم. (روای می گوید: ظاهراً آنها شرکت رسول الله صلی الله علیه و سلم را در نماز جنازه این زن، مهم ندانستند.) رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: قبر او را به من نشان دهید. مردم قبرش را نشان دادند. آنحضرت صلی الله علیه و سلم کنار قبر رفت و نماز جنازه خواند. ثابت که یکی از راویان این حدیث است، می گوید: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود:

(همانا این قبرها مملو از تاریکی هستند و خداوند با نماز من بر آنها، قبرهایشان را منور می گرداند). بخاری، مسلم، ابوداود، ابن ماجه، بیهقی، طیالسی، احمد.

۲- یزید بن ثابت که از زید بزرگتر است، می گوید: روزی با رسول الله صلی الله علیه و سلم به قبرستان بقیع رفتیم. هنگامی که آنحضرت صلی الله علیه و سلم وارد قبرستان شد، قبر تازه ای دید و در مورد آن پرسید. گفتند: این قبر فلان زن (کنیز آزاد شده فلان طایفه) است. رسول الله صلی الله علیه و سلم او را شناخت و فرمود: چرا مرا با خبر نساختم؟ گفتند: او هنگام ظهر مرد و شما روزه داشتید و در حال استراحت بودید، نخواستیم شما را اذیت کنیم. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: چنین نکنید. هرگز نبینم که کسی از شما فوت کند و من آنجا نباشم و شما مرا اطلاع ندهید. همانا نماز خواندن من بر میت، موجب رحمت است. آنگاه، رسول الله صلی الله علیه و سلم کنار قبر رفت و ما پشت سر ایشان، صف بستیم و آنحضرت صلی الله علیه و سلم با گفتن چهار تکبیر، بر او نماز خواند. نسائی و ابن ماجه و ابن حبان و بیهقی و سند آن صحیح است.

۴- یکی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و سلم به عیادت بیماران بی کس و مستضعف مسلمان می رفت و در تشییع جنازه آنان شرکت می کرد. و بجز رسول الله صلی الله علیه و سلم کسی دیگر بر آنان، نماز جنازه نمی خواند. دوران بیماری زنی فقیر که از ساکنان عوالی بود، بسیار طولانی شد. رسول الله صلی الله علیه و سلم همیشه حالش را از همسایگان می پرسید و فرمود: اگر برایش اتفاقی افتاد، او را دفن نکنید تا من بر او نماز جنازه بخوانم. آن زن در یکی از شب ها فوت کرد. مردم طبق دستور رسول الله صلی الله علیه و سلم آن زن را به جایگاه ویژه جنازه ها کنار مسجد النبی آوردند تا پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بر او نماز جنازه بخواند. اما رسول الله صلی الله علیه و سلم بعد از نماز عشاء خوابیده بود. صحابه بیدار کردن آنحضرت صلی الله علیه و سلم را مناسب ندانستند. لذا بر او نماز جنازه خواندند و او را دفن کردند. صبح روز بعد، رسول الله صلی الله علیه و سلم درباره او از همسایگانش پرسید. آنها آنحضرت صلی الله علیه و سلم را از ماجرا با خبر ساختند و گفتند: مناسب ندانستیم که شما را بیدار کنیم. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: چرا چنین کردید؟ براه بیفتید. آنگاه صحابه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به راه افتادند تا اینکه کنار قبر آن زن، رسیدند. آنجا مانند ایستادن نماز جنازه، پشت سر ایشان صف بستند. و رسول الله صلی الله علیه و سلم بر او نماز جنازه خواند و مانند تکبیر گفتن بر جنازه. چهار تکبیر گفت. بیهقی و نسائی با سند صحیح و نسائی آنرا بطور مختصر روایت کرده است.

خ. اگر مسلمانی، در کشوری یا شهری فوت کند که کسی در آنجا نباشد تا بر او نماز جنازه بخواند، مسلمانان می توانند بر او غائبانه نماز جنازه بخوانند. زیرا رسول خدا صلی الله علیه و سلم بر نجاشی، غائبانه نماز جنازه خواند. و این روایت را گروهی از یاران رسول الله صلی الله علیه و سلم بطور پراکنده، نقل کرده اند. و بنده طرق مختلف آنرا جهت استفاده به شرح زیر تنظیم نموده ام:

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم خبر مرگ نجاشی را در مدینه منوره برای مردم اعلام کرد و فرمود: ای مردم! امروز یکی از برادران شما و در روایتی فرمود: بنده صالحی از بندگان خداوند، در سرزمینی دیگر فوت کرده است. برخیزید و بر او نماز بخوانید. پرسیدند: او کیست؟ فرمود: نجاشی. و فرمود: برای برادران طلب استغفار کنید. آنگاه، رسول الله صلی الله علیه و سلم مردم را به مصلا و در روایتی: به بقیع برد و به امامت ایستاد و مردم پشت سر ایشان صف بستند، همانطور که برای نماز جنازه صف بسته می شود و همانگونه که نماز جنازه خوانده می شود، بر او نماز خواندند. بطوریکه گویا جنازه، جلوی آنحضرت صلی الله علیه و سلم گذاشته شده است. ما اقتدا کردیم و رسول خدا با گفتن چهار تکبیر بر او نماز جنازه خواند. بخاری، مسلم، ابو داود، نسائی، ابن ماجه، بیهقی، طیالسی و احمد این حدیث، بیانگر این مطلب است که نجاشی مسلمان شده بود.

چنانکه ایشان از ابوموسی اشعری رضی الله عنه درباره خصوصیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم پرسید و بعد از آن گفت: من گواهی می دهم که او پیامبر خدا می باشد و همان کسی است که عیسی بن مریم به آمدن او مژده داده است. و اگر فرصت می یافتم بعنوان خدمتگزار کفشهایش را بر می داشتم.<sup>۳</sup>

**توجه:** باید گفت مفهوم حدیث مذکور، در مورد نماز جنازه غائبانه، همان چیزی است که تا کنون بیان گردید. و حدیث، هیچگونه احتمال دیگری ندارد. به همین خاطر، در گذشته هم تعدادی از محققین مذاهب همین نظریه را ارائه داده اند. هم اکنون خلاصه ای از صحبت های ابن قیم را در این باره تقدیم می نمایم. ایشان در زادالمعاد (۱/ ۲۰۵ و ۲۰۶) می گوید: شیوه رسول الله صلی الله علیه و سلم این نبود که بر هر میت غائب نماز جنازه بخواند. زیرا مسلمانان زیادی خارج از مدینه فوت کردند و رسول الله صلی الله علیه و سلم بر آنان نماز نخواند. از طرفی دیگر، با سند صحیح به ثبوت رسیده است که رسول خدا بر نجاشی، غائبانه نماز جنازه خوانده است. به همین خاطر، مجتهدین امت در این خصوص، سه دیدگاه متفاوت دارند و به سه دسته تقسیم شده اند:

۱- امام شافعی و احمد می گویند: نماز غائبانه رسول الله صلی الله علیه و سلم بر نجاشی دلیل مشروع بودن و سنت بودن نماز غائبانه، بر میت غائب است.

۲- امام ابوحنیفه و مالک، نماز جنازه غائبانه را از خصوصیات رسول الله صلی الله علیه و سلم می دانند و می گویند: دیگران نباید چنین کاری انجام دهند.

۳- شیخ الاسلام ابن تیمیه می گوید: اگر مسلمانی، در شهری فوت کرد و کسی بر او نماز جنازه نخواند، غائبانه بر او نماز جنازه خوانده شود، همانطور که رسول الله صلی الله علیه و سلم بر نجاشی که در میان کفار فوت کرد و کسی بر او نماز نخواند،

غائبانه نماز خواند. اما اگر شخصی در جائی فوت کرده، و افرادی بر او نماز جنازه خواندند، بر چنین شخصی، غائبانه نماز جنازه خوانده نشود. زیرا با نماز خواندن تعدادی از مسلمانان فرض از بقیه، ساقط می‌گردد. و از رسول خدا صلی الله علیه و سلم خواندن نماز جنازه و ترک آن هر دو به ثبوت رسیده است. لذا هر یک از آنها در جای خود قابل عمل می‌باشد. (و الله اعلم) و از امام احمد سه فتوا روایت شده است که صحیح‌ترین آن، همین قول مفصل است که بیان گردید.

و همین قول را بعضی از محققین شوافع پذیرفته‌اند. چنانکه خطابی در «معالم السنن» می‌گوید:

نجاشی مرد مسلمانی بود که به رسول خدا صلی الله علیه و سلم ایمان آورده و نبوت او را پذیرفته بود، البته ایمانش را کتمان می‌کرد. و هر گاه، مسلمانی بمیرد، بر سایر مسلمانان واجب است که بر وی نماز جنازه بخوانند. اما او در میان کفار فوت کرد و در آنجا مسلمانی وجود نداشت تا حق او را ادا نماید و بر او نماز جنازه بخواند. لذا لازم بود که رسول الله صلی الله علیه و سلم بر او نماز بخواند. زیرا او پیامبر خدا و ولی نجاشی بشمار می‌رفت و از همه مردم به نجاشی نزدیک تر بود. به همین خاطر، رسول الله صلی الله علیه و سلم بر او نماز جنازه غائبانه خواند. و الله اعلم.

بنابراین، اگر مسلمانی در یکی از شهرها فوت کرد و بر او نماز جنازه خوانده شده بود نیازی نیست که مسلمانان در شهری دیگر، بر او نماز جنازه غائبانه بخوانند و اگر معلوم شود که بخاطر عذر یا هر مانعی، نماز جنازه بر او خوانده نشده است، سنت است که نماز غائبانه بر او خوانده شود و نماز، بدلیل دوری مسافت و فاصله زیاد میان میت و نمازگزاران ترک داده نشود. در نماز جنازه غائبانه نمازگزاران رو به قبله می‌ایستند، نه در جهت شهری که میت در آنجا است.

بعضی از علماء خواندن نماز جنازه غائبانه را مکروه می‌دانند و بر این باورند که این عمل مخصوص رسول الله صلی الله علیه و سلم بوده است. دلیلشان هم این است که رسول الله صلی الله علیه و سلم در حق نجاشی در حکم حاضرین بوده، چون در بعضی اخبار آمده است که تمام کوههای بین مدینه و حبشه هموار گشت تا آنجا که پیامبر صلی الله علیه و سلم نجاشی را می‌دید.<sup>۴</sup> البته این تاویل، تاویل فاسدی است، تبعیت و پیروی از آن چه که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم از اعمال شریعت انجام داده است بر ما لازم است و تخصیص یک عمل به رسول اکرم صلی الله علیه و سلم نیاز به دلیل دارد. رفتن رسول خدا صلی الله علیه و سلم به مصلی و صحابه پشت سر ایشان، نشان دهنده بطلان این تاویل است. و الله اعلم (پایان سخنان خطابی به نقل از ابن قیم).

روایاتی - شافعی مذهب - سخنان خطابی را در این زمینه نیک دانسته است. مذهب امام ابو داود نیز چنین است. زیرا او عنوان حدیث فوق را در سنن خود چنین آورده است: «باب الصلاة علی مسلم یموت فی بلاد الشرك» و از متاخرین، علامه شیخ محقق و صالح؛ مقبلی نیز به این بخش حدیث استناد کرده است که: «ان اخاکم قدمات بغیر ارضکم فقوموا فصلو علیه» سند این حدیث مطابق با شرایط شیخین صحیح است.

از جمله دلائلی که دال بر عدم مشروعیت نماز جنازه برای هر میت غائب می‌باشد این است که وقتی خلفای راشدین و سایر اصحاب و یاران بزرگ رسول الله صلی الله علیه و سلم فوت کردند، هیچیک از مسلمانان بر آنان نماز جنازه غائب نخواندند. در حالیکه اگر چنین می‌کردند، این مساله بصورت تواتر نقل می‌شد و بر کسی پنهان نمی‌ماند.

1- نووی در «المجموع» می‌گوید: این روایت جزو خیالات است.



اکنون ، مطالبی که بیان شد با عملکرد بسیاری از مسلمانان معاصر که برای هر میت غائب نماز جنازه می خوانند مقایسه کن. خصوصاً برای کسانی که نام و آوازه ای دارند و با وجود اینکه در حرم مکه فوت کرده و در مراسم حج ده ها هزار مومن بر آنها نماز جنازه خوانده باشند. اگر در مطالبی که بیان داشتم خوب دقت شود قطعاً روشن می گردد که اینگونه نماز جنازه غائب از جمله بدعتهایی است که هیچ فرد آگاه و عالم به سنت رسول خدا صلی الله علیه و سلم و شیوه سلف در بدعت بودن آن تردیدی نخواهد داشت.

۴. استغفار و طلب رحمت برای کفار و منافقین حرام است. خداوند می فرماید:

[ وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ ] توبه : 84 .

ترجمه: هرگاه یکی از آنان مرد هرگز بر او نماز بخوان و سر قبرش (برای دعا و طلب آمرزش و دفن او) نایست . چرا که آنان به خدا و پیغمبرش ایمان نداشته اند و در حالی مرده اند که از دین خدا و فرمان او خارج بوده اند. سبب نزول این آیه از عمر و فرزندش عبدالله رضی الله عنهما چنین نقل شده است: وقتی عبدالله بن ابی بن سلول درگذشت از رسول الله صلی الله علیه و سلم خواستند تا بر او نماز جنازه بخواند، عمر می گوید: وقتی که رسول الله صلی الله علیه و سلم خود را برای نماز آماده کرد. لباس او را گرفته ، عرض کردم: ای پیامبر! تو بر این منافق (دشمن خدا) نماز می خوانی و حال آنکه او درباره شما چنین و چنان گفته است؟! (اشاره به سخنی که قرآن از قول او نقل کرده است: «لا تنفقوا علی من عند رسول الله حتی ینفصوا» (به آنانی که نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم هستند بذل و بخشش نکنید و چیزی ندهید تا پراکنده شوند و بروند) و «لیخرجن الاعز منها الاذل» (اگر از غزوه بنی مصطلق به مدینه برگشتیم باید افراد با عزت و قدرتمند، اشخاص خوار و ناتوان را از آنجا بیرون کنند) مگر خداوند، شما را از اقامه نماز بر منافقین و از دعای مغفرت در حق آنان منع نکرده است، و نفرموده است:

«استغفر لهم او لا تستغفر لهم، إن تستغفر لهم سبعین مره فلن یغفر الله لهم»!؟

چه (برای آنان طلب آمرزش کنی و چه نکنی، حتی اگر هفتاد بار برای آنان طلب آمرزش کنی، خداوند هرگز آنان را نخواهد بخشید) رسول خدا صلی الله علیه و سلم تبسم کرد و فرمود:

از کنار من برو ای عمر! به من اختیار داده شده است و من نیز انتخاب کردم. به من گفته شده است: «چه برای آنان طلب آمرزش کنی ، چه نکنی خداوند آنان را هرگز نخواهد بخشید» اگر می دانستم که در صورت طلب آمرزش بیش از هفتاد مرتبه، آنان مورد مغفرت قرار می گیرند، این کار را می کردم. عمر رضی الله عنه گفت: او منافق است، راوی می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و سلم بر او نماز جنازه خواند و ما نیز همراه رسول خدا صلی الله علیه و سلم نماز خواندیم . رسول خدا صلی الله علیه و سلم بر قبر او رفت و تا پایان مراسم دفن آنجا توقف نمود و سپس برگشت و دیری نگذشت که این دو آیه سوره براءت نازل شد:

[ وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ ] توبه : 84 .

عمر رضی الله عنه می گوید: بعد از آن رسول خدا صلی الله علیه و سلم تا دم مرگ بر هیچ منافقی نماز نخواند و بر قبر هیچیک از آنان دعا و طلب آمرزش ننمود. و من بخود می اندیشیدم که در برابر رسول خدا چگونه بخود جرأت سخن گفتن دادم. بخاری ، نسائی ، ترمذی ، ابن ماجه ، بیهقی و احمد.

و از مسیب بن حزن روایت است که وقتی عموی پیامبر؛ ابوطالب در بستر مرگ بسر می برد رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) نزد او آمد و گفت: تو از همه نسبت به من مهربانتر بودی و بر من حق بیشتری داری. بگو: لا اله الا الله تا برای تو نزد خدا شفاعت بکنم. ابوجهل و عبدالله ابن ابی امیه که در آنجا حضور داشتند گفتند، ای ابوطالب! آیا می خواهی از مذهب عبدالمطلب روی برتابی؟ رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) سخن خود را تکرار کرد. سرانجام ابوطالب گفت: من مذهب عبدالمطلب را ترجیح می دهم. رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) فرمود: من تا وقتی ممنوع نشده ام برای تو طلب آمرزش می کنم. از آن روز به بعد مسلمانان برای گذشتگان خود که در حال شرک مرده بودند طلب آمرزش نمودند تا اینکه خداوند آیه نازل کرد و پیامبر و مسلمانان را از این کار بازداشت. و در مورد ابوطالب علاوه بر این، آیه ای دیگر نازل کرد و خطاب به پیامبر فرمود: تو هر کس را که دوست داشته باشی نمی توانی هدایت بکنی بلکه خدا هر کس را که بخواهد هدایت می کند (بخاری، مسلم و احمد)

همچنین از علی رضی الله عنه روایت است که: مردی برای والدین مشرک خود طلب مغفرت می کرد. گفتم: برای پدر و مادر مشرک خود طلب مغفرت می کنی؟ گفت: مگر حضرت ابراهیم برای پدر و مادر مشرک خود دعا نکرده است؟ علی رضی الله عنه می گوید: این جریان را نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم عرض کردم. آنگاه این آیه نازل شد: پیامبر و مومنان را نشاید، که برای مشرکان طلب آمرزش کنند. هر چند که خویشاوند باشند هنگامی که برای آنان روشن شد که آنها اهل دوزخ اند. البته دعای ابراهیم در حق پدر مشرکش بخاطر وعده ای بود که با پدرش کرده بود، اما وقتی برای ابراهیم روشن شد که پدرش دشمن خداست و دانست که از اهل دوزخ است، از وی بیزاری جست، همانا ابراهیم بسیار نرم دل و مهربان و شکیبا بود. (توبه: ۱۱۴)

امام نووی در المجموع 144/5 ، 258 . می گوید: نماز جنازه و دعای مغفرت برای کافر به نص قرآن و اجماع امت حرام است.

۵. نماز جنازه ، مانند نمازهای پنجگانه واجب است و به جماعت برگزار شود. به دو دلیل:

۱- رسول خدا صلی الله علیه و سلم نماز جنازه را همواره با جماعت خوانده است.

۲- رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: «صلوا کما رأیتونی اصلی». بخاری

و اما نماز خواندن صحابه بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم بصورت فردی و بدون جماعت نمی تواند وجوب جماعت را ساقط کند، زیرا، جریان نماز جنازه رسول الله صلی الله علیه و سلم استثنائی بوده که دلیلش برای ما روشن نیست و این جریان نمی تواند دلیلی برای ترک آنچه که رسول خدا در طول عمر مبارک انجام داده است، باشد. البته چگونگی برپایی نماز جنازه رسول الله صلی الله علیه و سلم از سند صحیحی که قابل استناد باشد، ثابت نشده است هر چند که از طرق متعدد که هر کدام تایید کننده دیگری است، وارد شده است. بنابراین اگر میان روایات وارده در مورد کیفیت برگزاری نماز جنازه رسول الله صلی الله علیه و سلم و عمل آنحضرت صلی الله علیه و سلم که مداومت بر برگزاری نماز جنازه بوده توافقی صورت گیرد که بهتر و اگر نه عمل آنحضرت ترجیح داده می شود.

البته اگر نماز جنازه بدون جماعت خوانده شود، فرض ، ساقط می گردد. اما بخاطر ترک جماعت، مردم گناهکار می شوند.

نووی نیز می گوید: نماز جنازه بدون جماعت نیز جایز است ولی سنت آنست که با جماعت خوانده شود و اجماع مسلمانان نیز بر همین است (المجموع)

۶. حداقل تعداد شرکت کنندگان در نماز جنازه، سه نفر باشد. در حدیث عبدالله بن ابی طلحه آمده است که: ابی طلحه، رسول الله صلی الله علیه و سلم را برای برگزاری نماز جنازه بر فرزندش عمیر دعوت کرد. رسول الله صلی الله علیه و سلم دعوت ابی طلحه را اجابت فرمود و در منزل ایشان نماز جنازه اقامه نمود. رسول الله صلی الله علیه و سلم جلو شد و ابی طلحه پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و سلم و ام سلیم (همسر ابی طلحه) نیز، پشت سر شوهرش ایستادند و کسی دیگر با آنان نبود. حاکم و بیهقی. حاکم در مورد این حدیث می گوید: حدیث مذکور مطابق با شرایط شیخین است و دلیلی بر صحت حضور زنان در نماز جنازه می باشد.

۷. کثرت حضور نمازگزاران فضیلت و منفعتی برای میت است. رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید:

هر میتی که حداقل صد نفر از مسلمانان در نماز جنازه او حاضر شده، برای او طلب شفاعت کنند، شفاعت آنان در حق او

پذیرفته می شود. مسلم، نسائی

در روایتی دیگر آمده است: او مورد مغفرت قرار خواهد گرفت. گاهی امکان دارد که تعداد نمازگزاران کمتر از صد نفر باشد و با وجود این میت مورد آمرزش قرار گیرد و این در صورتی است که، نمازگزاران، موحد و از هرگونه شرک پاک باشند. چنانکه در حدیثی آمده است:

«مَا مِنْ رَجُلٍ مُسْلِمٍ يَمُوتُ فَيَقُومُ عَلَيَّ جَنَازَتِهِ أَرْبَعُونَ رَجُلًا لَا يُشْرِكُونَ بِاللَّهِ شَيْئًا إِلَّا شَفَعْتُهُمُ اللَّهُ فِيهِ.»

مسلم و

ابوداود، ابن ماجه  
(هر مسلمانی که چهل نفر مسلمان موحد بر او نماز جنازه بر پا دارند خداوند شفاعت آنان را در حق او خواهد پذیرفت).

۸. مستحب است که نمازگزاران در سه یا بیش از سه صف، پشت سر امام بایستند. در این باره دو حدیث روایت شده است:

حدیث اول: از ابو امامه چنین روایت شده است:

که رسول خدا صلی الله علیه و سلم به همراه هفت نفر نماز جنازه برگزار نمودند در حالیکه سه نفر را در یک صف و دو نفر را در صف بعدی و دو نفر دیگر را در صف آخر قرار داده بود مسلم، نسائی،

حدیث دوم: مالک بن هبیره روایت می کند که رسول خدا فرمود:

« مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَمُوتُ فَيَصَلِّي عَلَيْهِ ثَلَاثَةٌ صُفُوفٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا أُوجِبَ (و في لفظ) الْأَعْرَافُ.»

ابوداود،

ترمذی،

(هر مسلمانی که بمیرد در حالیکه سه صف از مسلمانان بر او نماز جنازه بر پا دارند بهشت بر او واجب می گردد. در حدیثی دیگر آمده است: مورد مغفرت قرار خواهد گرفت).

بنابراین امام مالک رضی الله عنه هنگامیکه تعداد کمی برای اقامه نماز جنازه حاضر می شدند، آنها را در سه صف تنظیم می کرد.

۹. اگر تعداد نمازگزاران فقط دو نفر بود مقتدی در کنار امام نایستد، چنانچه در سایر نمازها، سنت است که در سمت راست

امام قرار گیرد بلکه سنت است پشت سر امام قرار بگیرد، بدلیل حدیث ابی طلحه که در حدیث عبدالله بن ابی طلحه آمده است که: ابی طلحه، رسول الله صلی الله علیه و سلم را برای برگزاری نماز جنازه بر فرزندش عمیر دعوت کرد. رسول الله صلی الله علیه و سلم دعوت ابی طلحه را اجابت فرمود و در منزل ایشان نماز جنازه اقامه نمود. رسول الله صلی الله علیه و سلم

جلو شد و ابو طلحه پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و سلم و ام سلیم (همسر ابوطلحه) نیز، پشت سر شوهرش ایستادند و کسی دیگر با آنان نبود. حاکم و بیهقی.

۱۰. حاکم یا قائم مقام او در نماز جنازه بر ولی میت حق تقدم دارد، به دلیل روایت ابو حازم که می گوید: روزی که حسن بن علی رضی الله عنه فوت کرد، من حاضر بودم. حسین بن علی رضی الله عنه خطاب به سعید بن عاص امیر مدینه فرمود: نماز جنازه را اقامه کن. اگر سنت نبود که حاکم نماز جنازه را بر عهده گیرد تو را جلو نمی کردم. سعید در آن زمان، امیر مدینه بود و میان او و حسین بن علی رضی الله عنه اختلاف نظر وجود داشت. حاکم، بیهقی، بزار، طبرانی در المعجم الکبیر و احمد ابو هریره رضی الله عنه گفت: آیا درباره فرزند رسول الله صلی الله علیه و سلم و خاکسپاری او بر یکدیگر حسد می ورزید من از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که فرمود: هر کس حسن و حسین را دوست بدارد، مانند آن است که مرا دوست داشته و هر کس، با آنها دشمنی ورزد گویی با من دشمنی کرده است. احمد، حاکم و ذهبی

۱۱. اگر حاکم یا جانشین او حاضر نباشد، حق تقدم امامت با کسی است که در قرائت و فهم قرآن مهارت بیشتری داشته باشد و بعد به ترتیبی که در این حدیث بیان گردید عمل شود:

حق تقدم در امامت با کسی است که در قرائت قرآن تسلط و مهارت بیشتری داشته باشد. سپس کسی که با سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم بیشتر آشنا باشد، بعد از آن کسی که سابقه هجرت در راه خدا داشته باشد، سپس کسی که زودتر از دیگران مسلمان شده باشد. شخص اجازه ندارد در حوزه ولایت دیگری امام و جلو دار او شود یا در خانه کسی در مسند و محل مخصوص او بنشیند، مگر با اجازه آن شخص. (مسئله ۱۰۰۰ مسانید)

حتی اگر نوجوانی که به سن بلوغ نرسیده است، از دیگران در علم و قرائت قرآن بهتر باشد، حق تقدم در امامت با او است، بدلیل حدیث عمرو بن سلمه که می گوید:

از طائفه ما، هیئتی نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمدند. وقتی می خواستند برگردند، گفتند: ای رسول الله صلی الله علیه و سلم! از میان ما چه کسی امام شود؟ فرمود: کسی که قرآن را بیشتر فرا گرفته باشد. در میان آنان هیچ کس به اندازه من قرآن را فرا نگرفته بود. به همین سبب، آنان مرا برای امامت انتخاب کردند. در حالی که هنوز به سن بلوغ نرسیده بودم و چادری که متعلق به خودم بود، بر دوش داشتم. بعد از آن در هر جمعی در قبیله که من حاضر بودم امامت می کردم و نماز جنازه آنان را، تا امروز من اقامه می کنم. (ابوداود و بیهقی با سند صحیح.)

۱۲. در صورت تعدد اموات چه مرد باشند و چه زن، یک نماز برای همه آنان کفایت می کند و، جنازه مردان حتی اگر نابالغ باشند، طوری گذاشته شود که نزدیک امام باشند و جنازه زنان به طرف قبله گذاشته شود. در این خصوص احادیث متعددی وارد شده است:

نافع روایت می کند که باری ابن عمر بر نه نفر نماز جنازه خواند. مردان را نزدیک امام و زنان را در جانب قبله در یک صف قرار داد. هم چنین جنازه ام کلثوم رضی الله عنه، فرزند علی رضی الله عنه و همسر عمر بن خطاب رضی الله عنه و جنازه پسر ام کلثوم به نام زید، در کنار هم قرار داده شد و یک نماز برای هر دوی آنان خوانده شد. امیر مدینه در آن زمان سعید بن

عاص بود. ابن عباس، ابوهریره، ابو سعید، ابو قتاده رضی الله عنهم در میان نمازگزاران بودند. جنازه زید نزدیک امام گذاشته شد. یکی از حاضرین می گوید: «انکرت ذالک» یعنی قرار دادن پسر نا بالغ، نزدیک امام را نپسندیدم. به ابن عباس و ابوهریره و ابو سعید و ابو قتاده نگاه کردم و عرض کردم «ماهذا؟» حکم این چیست؟ فرمودند: «هی السنه» سنت همین است. (نسائی و ابن الجارود دارالدارقطنی و بیهقی).

**۱۳.** همچنین جائز است که بر هر یک از جنازه ها، جدا گانه نماز میت خوانده شود. بلکه افضل و اصل همین است و رسول الله صلی الله علیه و سلم درباره شهدا، احد چنین عمل نمود

حدیث ابن عباس که می گوید: وقتی رسول الله صلی الله علیه و سلم بر جنازه حمزه رضی الله عنه ایستاد، دستور داد تا طرف قبله گذاشته شود. سپس با گفتن نه تکبیر بر او نماز جنازه خواند، سپس جنازه سایر شهدا یکی بعد از دیگری کنار جنازه حمزه قرار داده شد. هر جنازه که اضافه می شد، بر آن و جنازه حمزه نماز دیگری خوانده می شد. بدین ترتیب بر جنازه حمزه رضی الله عنه و سایر شهدا هفتاد و دو نماز خوانده شد. (سبرانی در مجمع کبیر از طریق محمد بن اسحاق).

**۱۴.** برگزار نمودن نماز جنازه در مسجد نیز، جایز است. عایشه رضی الله عنها می گوید: روزی که سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه فوت کرد، همسران رسول الله صلی الله علیه و سلم خواستند که جنازه به مسجد آورده شود تا آنان نیز بر آن نماز جنازه بخوانند. خواسته آنان اجابت شد. وقتی جنازه نزدیک خانه های ازواج مطهرات رسید، بر زمین گذاشته شد و همسران رسول الله صلی الله علیه و سلم بر او نماز جنازه خواندند. سپس میت از دروازه مخصوص جناز که به طرف محل تجمع مردم باز می شد، بیرون برده شد. به ازواج مطهرات خبر رسید که مردم اقامه نماز جنازه را در مسجد بدعت تلقی کرده اند. عایشه رضی الله عنها فرمود:

«مَا أَسْرَعَ النَّاسَ إِلَى أَنْ يَعْبُؤُوا مَا لَا عِلْمَ لَهُمْ بِهِ عَابُوا عَلَيْنَا أَنْ يُمَرَّ بِجَنَازَةٍ فِي الْمَسْجِدِ وَمَا صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى سُهَيْلِ بْنِ بَيْضَاءَ إِلَّا فِي جَوْفِ الْمَسْجِدِ». (مسلم و اصحاب سنن)

ترجمه: مردم چه زود از علم فاصله گرفته اند. و آوردن جنازه به مسجد را بر ما ایراد می گیرند. بخدا سوگند: رسول خدا نماز جنازه سهیل بن بیضاء و برادرش را در وسط مسجد برگزار نمود.

**۱۵.** البته بهتر است که نماز جنازه در بیرون مسجد، در محلی که برای نماز جنازه در نظر گرفته شده است، خوانده شود. چنانکه روش غالب در زمان حیات رسول الله صلی الله علیه و سلم چنین بود. در این خصوص چند حدیث روایت شده است:

۱- ابن عمر رضی الله عنه روایت می کند که: گروهی از یهود، زن و مردی را که مرتکب زنا شده بودند، نزد رسول خدا آوردند. پیامبر رضی الله عنه امر کرد تا در محل برگزاری نماز جنازه در نزدیکی مسجد سنگ باران شوند. (بخاری)

۲- جابر رضی الله عنه روایت می کند: شخصی از میان ما فوت کرد، او را غسل داده جنازه اش را در محلی که جنازه ها گذاشته می شدند، نزدیک مقام جبرائیل قرار دادیم تا رسول الله صلی الله علیه و سلم بر او نماز بخواند. پیامبر صلی الله علیه و سلم را مطلع ساختیم. آمد و بر جنازه نماز گزارد. (حاکم و غیره)

این حدیث بطور کامل طی مسأله (۱۷) بیان گردید.

۳- محمد بن عبدالله بن جحش می گوید: «روزی در مسجد، در قسمتی که برای جنازه ها اختصاص داشت نشسته بودیم و رسول الله صلی الله علیه و سلم در جمع ما حضور داشت و... (حاکم، ذهبی، احمد و منذری).

۴- ابوهریره رضی الله عنه می گوید: روزی که نجاشی مرد، رسول الله صلی الله علیه و سلم خبر وفات او را به مردم اعلام کرد. سپس به محل برگزاری نماز جنازه رفت. مردم پشت سر ایشان صف بستند و رسول الله صلی الله علیه و سلم با گفتن چهار تکبیر، نماز جنازه او را برگزار کرد. (بخاری و مسلم).

۵- رسول خدا فرمود: هر کس نماز جنازه را در مسجد بخواند به او هیچ پاداشی نمی رسد. (سلسله احادیث الصحیحه ۲۳۵۲).

۱۶. خواندن نماز جنازه در میان قبرها جایز نیست. بدلیل حدیث نقل شده از انس رضی الله عنه که می گوید:

«ان النبی صلی الله علیه و سلم نهی أن یصلی عن الجنائز بین القبور». (ابن اعرابی در المعجم و طبرانی در المعجم الاوسط)  
(نبی اکرم صلی الله علیه و سلم از برگزار نمودن نماز جنازه در میان قبرها منع کرد).

۱۷. امام در نماز جنازه در مقابل سر میت مرد و در برابر پهلوی میت زن بایستد در این خصوص دو حدیث وجود دارد:

۱- ابوغالب خیاط می گوید: با انس ابن مالک همراه بودم. او بر جنازه ای نماز خواند و در برابر سر میت ایستاد. (در یک روایت دیگر بجای سر میت، سر تخت آمده است) ابوغالب می گوید: وقتی آن جنازه برداشته شد، جنازه زنی آورده شد. (از قریش، یا از انصار) به انس بن مالک گفته شد: ای ابو حمزه! این جنازه فلان زن، دختر فلانی است بر او نماز بخوان. انس بن مالک در برابر پهلو (وسط) آن جنازه ایستاد و نماز خواند. علاء بن زیاد عدوی، که از تابعین بزرگ بود نیز در آنجا حضور داشت. وقتی دید که انس بن مالک در ایستادن بر جنازه زنان و مردان، تفاوت قائل است، گفت: ای ابو حمزه! آیا این، سنت رسول خدا صلی الله علیه و سلم است؟ گفت: بلی. آنگاه علاء بن زیاد عدوی رو به ما کرد و گفت: این روش ایستادن را یاد بگیرید و بخاطر بسپارید. (ابو داود، ترمذی، بیهقی، طیالسی، احمد، ابن ماجه و طحاوی).

و این قول جمهور علما مانند امام شافعی، احمد، اسحاق و برخی از احناف است. بلکه خود امام ابوحنیفه آنطور که صاحب هدایه نقل کرده و ابویوسف آنطور که امام طحاوی در شرح معانی الآثار ذکر نموده، معتقد به همین بوده اند. و اما اینکه صاحب هدایه ایستادن در مقابل سینه میت مرد و زن را ترجیح داده و اکثر احناف نیز بدان معتقداند به دلیل اینکه قلب در آنجا قرار دارد و جای ایمان در قلب است باید گفت که اینها تعلیل های باطل و مخالف با سنت صریحی است که انس به آن اشاره کرد و گفت: هو السنه ای کاش اینگونه جسورانه در مقابل سنت موضع گیری نمی کردند. در حالی که امامان آنها و امام طحاوی معتقد به آن بوده اند.

۲- سمره بن جندی می گوید:

«صَلَّيْتُ خَلْفَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَصَلَّيْتُ عَلَى أُمِّ كَعْبٍ مَاتَتْ وَهِيَ نَفْسَاءُ فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِلصَّلَاةِ عَلَيْهَا وَسَطَهَا».

(بخاری، مسلم، ابوداود، نسائی، ترمذی، ابن ماجه، ابن جارود طحاوی، بیهقی، طیالسی و احمد)

(رسول الله صلی الله علیه و سلم برام کعب که در جریان زایمان فوت کرده بود، نماز جنازه خواند و من نیز پشت سر ایشان نماز می خواندم. پیامبر صلی الله علیه و سلم در برابر پهلوی او ایستاد).

حدیث فوق به وضوح نشانگر این مطلب است که سنت است امام در مقابل وسط جنازه زن بایستد و حدیث انس که فرمود: «عند عجیزتها» عیناً همین معنی را دارد. بلکه در این مورد، واضح تر است.

**۱۸.** در نماز جنازه چهار یا پنج الی نه تکبیر گفته شود. همه این موارد از رسول الله صلی الله علیه و سلم ثابت است. به هر کدام که عمل شود، کفایت می کند. البته بهتر است که متنوع باشد. یعنی، گاهی چهار و گاهی پنج و گاهی نه تکبیر گفته شود. همانطور که در موارد مشابه آن، مانند دعای استفتاح، صیغه های تشهد و درود ابراهیمی چنین گنجایشی وجود دارد. و اگر خواسته باشیم همواره پایبند یک روش باشیم، در این صورت چهار تکبیر بهتر است، زیرا روایات چهار تکبیر بیش از روایات پنج تکبیر و نه تکبیر می باشند. اینک به ارائه روایاتی که مؤید چهار تکبیر می باشند می پردازیم.

الف- مشروعیت چهار تکبیر را جمعی از صحابه روایت کرده اند:

۱- حدیثی از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است. که مساله شماره ( ۵۹ ) پیرامون نماز جنازه نجاشی بیان گردید و در آن گفته شد که رسول الله صلی الله علیه و سلم با گفتن چهار تکبیر، نماز جنازه خواندند.

۲- حدیث ابن عباس رضی الله عنه که در مساله مورد بحث پیرامون نماز بر شخصی که در شب دفن شده بود، بیان گردید.

۳- حدیثی که از یزید بن ثابت رضی الله عنه درباره نماز رسول الله صلی الله علیه و سلم بر جنازه کنیزی از فلان طایفه روایت شد و بعد از حدیث ابن عباس بیان گردید.

۴- از بعضی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم حدیثی درباره اقامه نماز رسول الله صلی الله علیه و سلم بر جنازه زنی مستمند بعد از دفن، روایت شده است. حدیث فوق بعد از حدیث یزید بن ثابت بیان گردید.

۵- همچنین ابو امامه رضی الله عنه می گوید:

«السُّنَّةُ فِي الصَّلَاةِ عَلَى الْجَنَازَةِ أَنْ يُقْرَأَ فِي التَّكْبِيرَةِ الْأُولَى بِأَمِّ الْقُرْآنِ مُخَافَتَةً ثُمَّ يُكَبَّرُ ثَلَاثًا وَالتَّسْلِيمُ عِنْدَ الْآخِرَةِ».

نسائی با سند صحیح، طحاوی و نووی در «المجموع» و گفته است: بر اساس شرط شیخین صحیح می باشد.

سنت در نماز جنازه، این است که بعد از تکبیر اول سوره فاتحه با صدای آهسته خوانده شود. سپس سه تکبیر و بعد از تکبیر آخر سلام گفته شود.

۶- عبدالله بن ابی اوفی رضی الله عنه می گوید:

«ان رسول الله صلی الله علیه و سلم کان یکبر اربعاً»<sup>۵</sup>.

(رسول خدا صلی الله علیه و سلم (در نماز جنازه) چهار تکبیر می گفت).

ب- پنج تکبیر، در نماز جنازه، بر اساس روایت عبدالرحمن بن ابی لیلی است که می گوید:

ترجمه: زید بن ارقم، در نماز جنازه چهار تکبیر می گفت. روزی بر جنازه ای پنج تکبیر گفت. از او در این باره پرسیدم، فرمود: رسول الله صلی الله علیه و سلم پنج تکبیر گفته است (بنابراین من بخاطر هیچکس این پنج تکبیر را رها نمی کنم). بیهقی با سند صحیح.

و بسیاری از اهل علم و صحابه این کار را کرده اند. و امام احمد و اسحاق گفته اند: اگر امام پنج تکبیر گفت، مقتدبها نیز به

پیروی از او چنین بکنند.

ج- همچنین مشروعیت گفتن شش و هفت تکبیر از احادیث موقوفی که در حکم مرفوع می باشند، ثابت شده است. این

احادیث موقوف از آن جهت به درجه مرفوع ارتقاء یافته اند که بعضی از بزرگان صحابه، آنها را در جمع اصحاب دیگر عملاً انجام داده اند و کسی معترض نشده است این آثار بشرح زیر می باشند:

۱- عبدالله بن مغفل می گوید: علی بن ابی طالب رضی الله عنه نماز جنازه سهل بن حنیف را خواند و شش تکبیر گفت. سپس

به ما رو کرد و گفت: او بدری است یعنی از جمله کسانی است که در غزوه بدر شرکت نموده است. ابو داود، احمد شعبی می گوید: علقمه از شام آمد و به ابن مسعود گفت: برادران مسلمان تو در بلاد شام در جنازه پنج تکبیر می گویند. بهتر است شما عددی را برای ما مشخص کنید تا ما از شما اطاعت کنیم. عبدالله بن مسعود لحظه ای سرش را پائین گرفت و فرمود: در نماز جنازه همان مقدار تکبیر بگوئید که امام شما می گوید، عدد معینی وجود ندارد. ابن حزم در المحلی، طحاوی و بیهقی

۲- عبد خیر می گوید: علی رضی الله عنه بر اهل بدر شش تکبیر، بر سایر اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم پنج

تکبیر و بر عموم مردم چهار تکبیر می گفت. طحاوی، دارقطنی و بیهقی

۳- همچنین موسی بن عبدالله بن یزید می گوید: حضرت علی رضی الله عنه بر ابی قتاده، نماز خواند و هفت بار بر جنازه او

تکبیر گفت. ضمناً ایشان بدری بود. طحاوی و بیهقی به سند صحیح.

این آثار بیانگر آن است که پنج و شش تکبیر در نماز جنازه همچنان بعد از رسول الله صلی الله علیه و سلم در میان صحابه رواج

داشته است. بنابراین ادعای اجماع بر چهار تکبیر باطل است.

د- در مورد مشروعیت گفتن نه تکبیر، دو حدیث آمده است:

۱- عن عبدالله بن زبیر « ان النبی صلی الله علیه و سلم صلی علی حمزه فکبر علیه تسع تکبیرات »<sup>۶</sup>

(رسول خدا صلی الله علیه و سلم با گفتن نه تکبیر بر حمزه رضی الله عنه نماز جنازه خواند).

این بالا ترین رقمی است که در تعداد تکبیر ها نماز جنازه ما به آن دست یافته ایم. بنابراین نباید بر آن افزوده شود. البته

کاستن از آن تا چهار تکبیر مجاز است.

۲- از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت است:

که وقتی رسول الله صلی الله علیه و سلم برای ادای نماز بر جنازه حمزه رضی الله عنه ایستاد، دستور داد که به طرف قبله

گذاشته شود. سپس با گفتن نه تکبیر بر او نماز جنازه خواند.<sup>۷</sup>

۱۹. مشروع است که در تکبیر اول دست ها را بلند کنند. در این باره دو حدیث وجود دارد:

۱- « ان رسول الله صلی الله علیه و سلم کبر علی جنازة فرفع یدیه فی اول تکبیره و وضع الیمنی علی الیسری » ترمذی،

دارقطنی، بیهقی

(ابوهریره می گوید: رسول الله صلی الله علیه و سلم بر جنازه ای تکبیر گفت و با تکبیر اول دستها را بلند کرد و دست راست را

روی دست چپ قرار داد). ترمذی، دارقطنی، بیهقی

1- تمام این حدیث در دلیل دوم مساله 59 بیان گردید.

2- این حدیث در بیان حدیث دوم در مساله 69 بیان گردید.



۲- ابن عباس می گوید:

«ان رسول الله صلى الله عليه و سلم كان يرفع يديه على الجنازه في اول تكبيره ثم لا يعود». دارقطنی

**(رسول الله صلى الله عليه و سلم در تکبیر اول نماز جنازه. دستها را بلند می کرد و در بقیه تکبیرات دستها را بلند نمی کرد).** دارقطنی

امام ترمذی بعد از بیان حدیث اول می گوید: این حدیث غریب است. علما در این باره اختلاف نظر دارند، اغلب علما بر این باورند که سنت است در هر تکبیر دستها بلند شود. ابن مبارک، شافعی، احمد و اسحق چنین فتوا داده اند. بعضی از علما بر این عقیده اند که دستها فقط در تکبیر اول بلند شوند. امام ثوری و علمای کوفه این قول را ترجیح داده اند. از ابن مبارک نقل شده است که می گوید: در نماز جنازه با دست راست دست چپ را قبضه نکند. بعضی از علما می گویند: با دست راست، دست چپ را بگیرد همانطور، که در سایر نمازها این عمل صورت می پذیرد.

در «مجموع» امام نووی از ابن المنذر چنین نقل کرده است: «اجماع بر این است که در تکبیر اول دستها بلند شوند و در سایر تکبیرها اختلاف نظر وجود دارد».

بنده می گویم: ما در احادیث سراغ نداریم که جز در تکبیر اول در بقیه تکبیرات دستها بلند کرده شوند و نظر فقهای احناف و دیگر محققین مانند شوکانی و ابن حزم همین است.

۲۰. دست راست بر پشت کف، مچ و ساعد دست چپ گذاشته و روی سینه بسته شود. در این باره احادیثی وارد شده است که بیان آنها ضروری است:

۱- ابهریره می گوید: رسول الله صلى الله عليه و سلم بر جنازه ای تکبیر گفت و با تکبیر اول دستها را بلند کرد و دست راست را روی دست چپ قرار داد. ترمذی، دارقطنی، بیهقی، ابن حدیث هر چند که از لحاظ سند ضعیف است اما از لحاظ معنی و مفهوم بدلیل تایید توسط احادیث زیر صحیح می باشد. احادیث زیر بخاطر مطلق بودن، شامل احادیث مربوط به نماز جنازه نیز می باشد. همانطور که تمام نمازهای غیر فرض، مانند نماز باران و نماز کسوف را در بر می گیرند.

۲- حدیث دوم از سهل بن سعد است، که می گوید:

(به مردم امر می شد تا دست راست را در نماز روی ساعد دست چپ بگذارند). امام مالک در «الموطأ»، بخاری

۳- حدیث سوم از عبدالله بن عباس رضی الله عنه است که می گوید:

از پیامبر اکرم صلى الله عليه و سلم شنیدم که می گفت: به ما، گروه پیامبران، امر شده که در خوردن افطار، شتاب و در خوردن سحری، تاخیر و در نماز، دست راست را روی دست چپ قرار دهیم. ابن حبان در صحیح و طبرانی در «الکبیر»

۴- حدیث چهارم را طاووس راویت می کند و می گوید:

رسول الله صلى الله عليه و سلم دست راستش را روی دست چپ می گذاشت و سپس، هر دو دست را روی سینه می بست. ابوداود.

این احادیث اگر چه مرسل است، اما باتفاق نزد کسانی که حدیث مرسل را حجت می دانند، حجت است و نزد کسانی که حدیث را زمانی حجت می دانند که موصول باشد، یا شواهدی (مؤید) داشته باشد قابل استدلال است و این حدیث نیز دو شاهد دارد که عبارتند از:

## ۱- وائل بن حجر می گوید:

رسول الله صلی الله علیه و سلم را دیدم که دست راست را روی دست چپ و بر سینه قرار داده بود. ابن خزیمه در صحیح خود و بیهقی در سنن

۲- قبیصه بن هلب به نقل از پدرش می گوید: رسول الله صلی الله علیه و سلم را دیدم که بعد از اتمام نماز گاهی طرف راست و گاهی به طرف چپ بر می گشت و او را دیدم دست را را روی سینه گذاشته بود، یحیی بن سعید می گوید: دست راست را روی مفصل دست چپ گذاشته، بعد آنها را روی سینه قرار داده بود. احمد. با سند صحیح به شرط مسلم در مجموع اینها سه حدیث هستند که نشانگر این مطلبند که در نماز، گذاشتن دست ها روی سینه سنت است، کسی که مجموع این روایات را بررسی کند، در این مورد تردیدی نخواهد داشت. اما حدیثی که بر گذاشتن دست ها زیر ناف دلالت می کند به اتفاق ضعیف است.

۲۱. بعد از تکبیر اول، سوره فاتحه و سوره ای دیگر خوانده شود. در حدیث طلحه بن عبدالله بن عوف چنین آمده است:

ابن عباس در نماز جنازه ای، فاتحه و سوره دیگری با صدای بلند قرائت نمود. به گونه ای که ما آن را بشنویم، پس از اتمام نماز، دست او را گرفته و علت را پرسیدیم. گفت: چنین کردم تا شما بدانید این سنت (پیامبر) است. بخاری، ابوداود، نسائی، ترمذی  
این حدیث اشاره به عدم مشروعیت خواندن دعای استفتاح در نماز جنازه دارد. چنانکه مذهب امام شافعی و امام احمد نیز همین است

۲۲. در نماز جنازه قرائت با صدای آهسته خوانده شود. چنانکه در حدیث ابی امامه بن سهل آمده است:

«السُّنَّةُ فِي الصَّلَاةِ عَلَى الْجَنَازَةِ أَنْ يُقْرَأَ فِي التَّكْبِيرِ الْأُولَى بِأَمِّ الْقُرْآنِ مُخَافَةً ثُمَّ يُكَبَّرُ ثَلَاثًا وَالتَّسْلِيمُ عِنْدَ الْآخِرَةِ».

نسائی و غیره با سند صحیح. (سنت در نماز جنازه این است که بعد از تکبیر اول سوره فاتحه با صدای آهسته خوانده شود، سپس سه بار تکبیر و بعد از تکبیر چهارم سلام گفته شود).

۲۳. بعد از تکبیر دوم برای رسول خدا درود فرستاده شود، در حدیث ابی امامه آمده است که:

سنت در نماز جنازه این است که امام، نخست تکبیر گوید، بعد از تکبیر اول سوره فاتحه را آهسته بخواند و برای رسول خدا درود بفرستد، در سه تکبیر آخر خالصانه برای میت دعا کند و آنها را قرائت نخواند، سپس به طرف راست آهسته سلام بگوید و هر آنچه را که امام آهسته انجام می دهد، مقتدی ها انجام دهند. (شافعی و بیهقی و ابن الجاورد)

امام شافعی می گوید: اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم جمله «السنه كذا» و «الحق كذا» را فقط برای سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم بکار می بردند.

برای درود بر پیامبر در نماز جنازه، الفاظ خاصی نیامده است، لذا برای نماز جنازه درود بخصوصی وجود ندارد. بلکه همان درودی که در نمازهای فرض در تشهد خوانده می شود، در نماز جنازه نیز خوانده شود.

۲۴. بعد از تکبیر دوم و درود بر رسول الله صلی الله علیه و سلم بقیه تکبیرات را گفته و با اخلاص برای میت دعا کند، چنانکه رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید:

«و اذا صليت على الميت فاخلصوا له الدعاء»

(هرگاه بر میت نماز خواندید، خالصانه برای وی دعا کنید).

۲۵. در نماز جنازه، دعاهایی خوانده شود که از رسول الله صلی الله علیه و سلم منقول هستند، و بنده به چهار مورد آنها دست یافتم که عبارتند از:

۱- «عَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ يَقُولُ صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى جَنَازَةٍ فَحَفِظْتُ مِنْ دُعَائِهِ وَهُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ وَعَافِهِ وَاعْفُ عَنْهُ وَأَكْرِمْ نُزُلَهُ وَوَسِّعْ مَدْخَلَهُ وَاغْسِلْهُ بِالْمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ وَنَقِّهِ مِنَ الْخَطَايَا كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ وَأَبْدِلْهُ دَارًا خَيْرًا مِنْ دَارِهِ وَأَهْلًا خَيْرًا مِنْ أَهْلِهِ وَزَوْجًا خَيْرًا مِنْ زَوْجِهِ وَأَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ وَأَعِذْهُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ أَوْ مِنْ عَذَابِ النَّارِ قَالَ حَتَّى تَمَنَيْتُ أَنْ أَكُونَ أَنَا ذَلِكَ الْمَيِّتَ». (مسلم، نسائي، ابن ماجه)

ترجمه: خداوندا او را مورد مغفرت و رحمت قرار ده، او را عفو کرده و از وی در گذر، جای او را وسعت بخش و او را گرمی بدار و با آب، یخ و برف او را غسل ده. از گناهان چنان پاکش بگردان که پارچه سفید از چرک ها پاک کرده می شود او را خانه ای بهتر از این خانه، خانواده ای بهتر از این خانواده و همسری بهتر از این همسر عنایت بفرما، پروردگارا! او را در بهشت داخل نما و از عذاب قبر و عذاب دوزخ رهانی بخش. عوف بن مالک می گوید: با خود می گفتم: ای کاش من بجای این میت بودم.

۲- ابوهریره می گوید: «كَانَ إِذَا صَلَّى عَلَى جَنَازَةٍ فَقَالَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا وَصَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا وَذَكَرِنَا وَأُنثَانَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا اللَّهُمَّ مَنْ أَحْيَيْتَهُ مِنَّا فَأَحْيِهِ عَلَى الْإِسْلَامِ وَمَنْ تَوَفَّيْتَهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَى الْإِيمَانِ اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ وَلَا تُضَلِّنَا بَعْدَهُ». (ابن ماجه، بیهقی، ابوداود، ترمذی، ابن حبان، حاکم و احمد.)

ترجمه: هنگامیکه پیامبر صلی الله علیه و سلم بر جنازه ای نماز می گزارد، می گفت: پروردگارا زنده و مرده، حاضر و غایب، کوچک و بزرگ و زن و مرد ما را مورد مغفرت قرار بده. پروردگارا هر کس از ما را که زنده می داری، بر اسلام زنده نگاه دار و هر کس را که می میرانی، خاتمه اش را با ایمان بگردان. خداوندا! ما را از ثواب آن محروم مگردان و بعد از او ما را گمراه نکن.

۳- واثله بن اسقع می گوید:

«صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنَّ فُلَانَ بَنَ فُلَانَ فِي ذِمَّتِكَ فَفَتَنَةَ الْقَبْرِ قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ مِنْ ذِمَّتِكَ وَحَبْلُ جِوَارِكَ فَفَتَنَةَ الْقَبْرِ وَعَذَابِ النَّارِ وَأَنْتَ أَهْلُ الْوَفَاءِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِمْ فَأَغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ». (ابوداود، ابن حبان، احمد و ابن ماجه)

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه و سلم بر جنازه یکی از مسلمانان نماز خواند شنیدم که می گفت: پروردگارا! فلانی، فرزند فلانی در اختیار و در پناه توست، پس او را از عذاب قبر، عذاب دوزخ نجات ده. پروردگارا! تو اهل وفا و حق هستی، او را مورد مرحمت و مغفرت قرار ده، همانا تو بخشنده و مهربان هستی.

۴- همچنین یزید بن رکانه می گوید:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قَامَ لِلْجَنَازَةِ لِيُصَلِّيَ عَلَيْهَا قَالَ: اللَّهُمَّ، عَبْدُكَ وَابْنُ امْتِكَ احْتِاجُ إِلَيَّ رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِهِ أَنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي حَسَنَاتِهِ وَأَنْ كَانَ مُسِيئًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ». (حاکم آنرا روایت کرده و

می گوید: سندش صحیح است)

ترجمه: پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم هنگامی که برای اقامه نماز جنازه بر می خواست، می فرمود: پروردگارا! این غلام تو و فرزند کنیز تو است. به رحمت تو نیازمند است. حال آنکه تو به عذاب او نیاز نداری، اگر او نیکوکار بوده، بر نیکی هایش بیفزای و اگر بد بوده است، از بدی هایش درگذر.

۲۶. بعد از تکبیر آخر و قبل از سلام، نیز دعا کردن جایز و مشروع است بدلیل حدیث ابی یعفر از عبدالله بن ابی اوفی رضی

الله عنه که روزی بر جنازه ای، با گفتن چهار تکبیر نماز خواند، بعد از تکبیر چهارم و پیش از سلام کمی توقف نموده دعا

کرد، بعد رو به حاضرین نمود و پرسید: آیا من پنج بار تکبیر گفتم؟ جواب دادند: خیر. گفت: همانا رسول الله صلی الله علیه و سلم چهار بار تکبیر می گفت. (بیهقی با سند صحیح، ابن ماجه، حاکم و احمد)  
امام احمد و همچنین شوافع دعا در تکبیر چهارم را مستحب دانسته بر خلاف احناف که می گویند: بعد از تکبیر چهارم باید سلام گفت.

و بهترین محل دعا برای میت همان تکبیر سوم است ولی بهتر است در این مورد از دعاهای ماثور (ثابت از رسول خدا) خوانده شود و نه دعاهای دیگر گرچه بعضی گفته اند: اشکالی ندارد. ولی به نظر من جایز نیست که از دعاهای ماثور صرف نظر کرد. چرا که این کار مصداق این سخن است که خداوند می فرماید: (استبدلون الذی هو اذنی بالذی هو خیر) (آیا کمترین را بجای بهترین می گیرید)؟!

**۲۷.** در آخر، مانند سایر نمازها، نخست به طرف راست و سپس به طرف چپ، سلام بگوید. عبد الله بن مسعود رضی الله عنه می گوید:

«ثلاث خلال کان رسول الله صلی الله علیه و سلم یفعلن ترکهن الناس احداهن التسلیم علی الجنازة مثل التسلیم فی الصلاة». (بیهقی با سند صحیح، امام نووی نیز سند آن را جید دانسته طبرانی در «الکبیر».)  
ترجمه: رسول خدا صلی الله علیه و سلم سه خصلت را بطور مداوم انجام می داد و مردم آنها را ترک کرده اند. یکی از آن سه خصلت این است که در نماز جنازه مانند سایر نمازها سلام می گفت.  
در صحیح مسلم، از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و سلم در نمازها دو سلام (اول به طرف راست و دوم به طرف چپ) می گفت. این حدیث مبین این مطلب است که: مراد از «التسلیم فی الصلاة» در حدیث اول همان دو سلام است که در پایان نماز گفته می شود گرچه دو سلام تصریح نشده است.

البته این احتمال وجود دارد که منظور از این نسبت این باشد که در نماز جنازه یک سلام گفته شده، زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم در برخی موارد در نمازهای فرض یک سلام گفته است. اما معنی (دو سلام گفتن) راجح است، چون در بیشتر نمازها و در اغلب اوقات دو سلام گفته است. اما این احتمال (احتمال یک سلام) بعید بنظر می رسد، زیرا که: هر چند یک سلام از رسول الله صلی الله علیه و سلم ثابت است اما، ابن مسعود رضی الله عنه آن را روایت نکرده است. لذا نمی توان از سخن ایشان که می گوید: «مثل التسلیم فی الصلاة» یک سلام را فهمید.

**۲۸.** اکتفا به یک سلام نیز جایز است. در حدیثی از ابوهریره رضی الله عنه آمده است:

(رسول الله صلی الله علیه و سلم بر میتی نماز خواند. چهار بار تکبیر گفت و یک سلام داد). (دارقطنی، حاکم و بیهقی.)

حدیثی که عطاء بن سائب بصورت مرسل روایت کرده، مؤید و شاهد حدیث ابی هریره است و در آن آمده است که:

(رسول الله صلی الله علیه و سلم بر جنازه يك سلام گفت). (بیهقی به طریق معلق روایت کرده.)

و عمل گروهی از صحابه نیز مؤید حدیث ابی هریره است. حاکم بعد از نقل این روایت می گوید: و از علی بن ابی طالب،

عبدالله بن عمر، عبدالله بن عباس، جابر بن عبدالله، عبدالله بن ابی اوفی و ابی هریره رضی الله عنه ثابت است که این بزرگواران در نماز جنازه بر یک سلام اکتفا می کردند.

۲۹. در نماز جنازه، سنت است که امام و مأمومین آهسته سلام گویند. به دلیل حدیث ابوامامه که قبلاً بیان گردید:

«ثم یسلم سرّاً فی نفسه حین ینصرف و السنّة أن یفعل من وراءه مثل ما فعل امامه».<sup>۸</sup>

این حدیث شاهدهی (مویدی) از ابن عباس رضی الله عنه دارد که امام بیهقی آن را در سنن خود بدینصورت آورده است:

«کان یسلم فی الجنازة تسلیمه خفیفة».

(یعنی ابن عباس در نماز جنازه آهسته سلام می گفت).

همچنین از ابن عمر چنین چیزی نقل شده است.

۳۰. نماز جنازه در اوقات سه گانه ای که اقامه نماز در آن حرام است، جایز نیست. مگر اینکه ضرورت ایجاب نماید. بدلیل

حدیث عقبه بن عامر که می گوید:

**ترجمه: رسول الله صلی الله علیه و سلم در سه وقت ما را از خواندن نماز و یا دفن میت منع کرده است: 1- لحظه طلوع خورشید تا زمانی که خورشید باندازه يك نیزه، بالا بیاید.**

**2- لحظه ای که خورشید در وسط آسمان قرار گیرد تا این که زوال یابد. 3- لحظه ضعیف شدن خورشید، یعنی وقتی که نور آن مایل به زردی می شود تا زمانی که غروب می کند.** (مسلم، ابوداود، نسائی، ترمذی، ابن ماجه)

بیهقی علاوه بر این آورده است که از عقبه در مورد دفن میت در شب پرسیدم. گفت: اشکالی ندارد، چرا که ابوبکر را در

شب دفن کردند.

و بر اساس حدیث فوق، صحابه از خواندن نماز جنازه در اوقات سه گانه فوق خودداری می کردند. چنانکه مالک در موطای

خود از طریق بیهقی به نقل از محمد بن ابی حرمه گفته است که زینب دختر ابوسلمه وفات کرد و در آن زمان طارق امیر مدینه

بود. بعد از نماز صبح جنازه را به بقیع آوردند. عبدالله بن عمر رضی الله عنه به اولیای میت گفت: یا الآن بر او نماز بخوانید و یا

اینکه بگذارید تا خورشید طلوع کند و بلند شود. (سند این روایت بر اساس شرط شیخین صحیح می باشد)

همچنین مالک از ابن عمر رضی الله عنه نقل کرده که ایشان بعد از نماز صبح و بعد از نماز عصر، نماز جنازه خوانده. بشرط

اینکه آن دو نماز در وقتهای خود ادا شده باشند.

همچنین از علی رضی الله عنه نقل است که جنازه ای در بصره بعد از نماز عصر و هنگامی که خورشید زرد شده بود آوردند.

او بر آن نماز نخواند و بعد از غروب خورشید، نخست نماز مغرب را برگزار کرد و بعد از آن نماز جنازه را خواند. (بیهقی)

خطابی می گوید: مردم درباره خواندن نماز جنازه و دفن کردن میت در این سه وقت، اختلاف کرده اند. بیشتر اهل علم بر

آنند که خواندن نماز جنازه در این اوقات مکروه می باشد و امام شافعی هیچگونه ممانعتی در هیچ وقتی برای نماز جنازه و دفن

نمی بیند و نقل کردن اجماع در مورد نماز جنازه و دفن در این سه وقت توسط نووی و همی بیش نیست.

[telegram.me/ahkamjanayezqeshm](https://t.me/ahkamjanayezqeshm)